

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ویتالی ریومشین، تحلیل‌گر سیاسی در گازتا.رو  
برگردان: مجله جنوب جهانی  
فرستنده: علی کاظمی  
۱۸ ماچ ۲۰۲۵

## آتش‌بس یا وظیفه؟ چرا پوتین از بازی آتش‌بس سر باز زد



نگاه دست‌گام سیاسی پوتین به آتش‌بس: چگونه رئیس‌جمهور روسیه از یک تله ماهرانه گریخت

هفته گذشته بدون شک در کتاب‌های درسی دیپلماسی به یاد خواهد ماند – شاید در فصلی با عنوان «چگونه یک آتش‌بس ناخواسته را خراب کنیم». هر یک از بازیگران این درگیری، در هنر مانوردهی دیپلماتیک یک کلاس استادانه ارائه دادند، حتی اوکراین، که معمولاً در مورد مهارت دیپلماتیک آن تردید دارم. اما در جده، جایی که دیپلمات‌های اوکراینی بشدت تلاش می‌کردند از چنگال آهنین رئیس‌جمهور امریکا، دونالد ترامپ، بر روند صلح بگریزند، آنها یک دام کلاسیک پهن کردند.

اوکراینی‌ها برگه‌ای حاوی پیشنهادی بی‌محتوا برای آتش‌بس به ترامپ ارائه دادند. در مقابل، بدون هیچ تعهد واقعی، کمک نظامی جدیدی از ایالات متحده دریافت کردند – جز امضای توافقی مبهم درباره استفاده مشترک از منابع. اما مهم‌تر از همه، آنها از غرور ترامپ بهره بردند و به او اجازه دادند تا پیروزی بزرگی را به جهانیان اعلام کند، در حالی که هم‌زمان او را به بن‌بستی کشاندند که در نهایت مذاکرات را متوقف خواهد کرد.

چگونه امریکائی‌ها فریب این حيله را خوردند؟ شاید به دلیل تأخیر هشت‌ساعته‌ای که هیأت اوکراینی ایجاد کرد. شاید آنها از تمایل شناخته‌شده ترامپ به چاپلوسی سوءاستفاده کردند. یا شاید، همان‌طور که تاریخ بارها نشان داده است، عوامل دیگری پشت پرده وجود داشت که بعدها در خاطرات افراد افشاء خواهد شد.

صرفنظر از دلایل، نتیجه روشن است: دولت ترمپ با یک برنامه آتش‌بس ۳۰ روزه موافقت کرد - برنامه‌ای که در اصل توسط بریتانیا و فرانسه، پرسروصداترین اعضای «حزب جنگ» غرب، طراحی شده بود. این قدرت‌های اروپایی که بشدت به ترمپ بدبین بودند، تنها یک هدف داشتند: جلوگیری از خروج واشنگتن از درگیری و واگذار کردن مسئولیت حمایت از کیف به خودشان. آتش‌بسی که آنها پیشنهاد کردند، طوری طراحی شده بود که برای روسیه غیرقابل قبول باشد، احتمالاً به این امید که مسکو آن را قاطعانه رد کند و این امر باعث واکنشی ناگهانی از سوی ترمپ شود و او را بیش از پیش در باتلاق اوکراین گرفتار کند.

اما مسکو به این سادگی‌ها فریب نخورد. کرملین خیلی زود متوجه تله شد: یک آتش‌بس می‌توانست به اوکراین یک فرصت ستراتیژیک ارزشمند بدهد تا مذاکرات را بی‌پایان طولانی کند و هم‌زمان با دریافت مداوم کمک‌های نظامی غرب، موضع خود را تقویت کند. در این میان، روسیه، بدون آن که کیف امتیاز مشخصی بدهد یا تضمینی برای مذاکراتی معنادار فراهم کند، شتاب خود را در میدان نبرد از دست می‌داد.

واکنش پوتین سنجیده و دقیق بود. او نه پیشنهاد را پذیرفت و نه آن را رد کرد، بلکه ترمپ را تحسین کرد و پیشنهاد داد که «جزئیات را بررسی کنند» - در حالی که هم‌زمان شرایط خود را برای آتش‌بس مطرح کرد: توقف فوری کمک‌های نظامی ایالات متحده و پایان بسیج نظامی در اوکراین.

از این دو شرط، متوقف کردن کمک‌های نظامی واقع‌بینانه‌تر است. تسلیحات دولت بایدن قبلاً تحویل داده شده است، و ترمپ نیز هرگز تمایلی به ارسال کمک‌های جدید نداشته است. اما درخواست توقف بسیج نظامی اوکراین آشکارا با هدف قرار دادن زلنسکی در موقعیتی دشوار مطرح شد. اگر او موافقت کند، تلاش‌های جنگی خود را تضعیف خواهد کرد. اگر امتناع کند، خطر خشم ترمپ را به جان می‌خورد، زیرا مانعی برای صلح ایجاد کرده است. در واقع، پوتین توپ را به زمین کیف انداخت، آن هم همراه با مجموعه‌ای از دشواری‌های جدید. تا لحظه نگارش این مقاله، اوکراین هنوز پاسخی نداده است.

با مشاهده این کشمکش بر سر آتش‌بس، شاید این پرسش مطرح شود: آیا چنین توافقی واقعاً ایده بدی است؟ نه لزوماً. خلاف نظر غالب، یک آتش‌بس با ساختاری مناسب می‌تواند به نفع روسیه هم باشد. چنین توافقی می‌تواند فرصتی برای تحقق اهداف عملیاتی ویژه نظامی از طریق مذاکرات، به‌جای خونریزی طولانی‌مدت، فراهم کند. رد قاطع این گزینه، کوتاه‌بینانه خواهد بود.

اما برای آن که یک آتش‌بس مؤثر باشد، نباید مانند توافق مبهم ۱۱ مارچ بین امریکا و اوکراین بی‌محتوا باشد. توافقی که بدون تعهدات مشخص و روشن باشد، در معرض سوءاستفاده قرار خواهد گرفت. ترمپ ممکن است اهمیتی به این جزئیات ندهد - هدف اصلی او کسب امتیازات سیاسی برای تقویت موقعیت متزلزل خود در نظرسنجی‌هاست. اما برای روسیه، که به دنبال راه‌حلی پایدار است، نه یک توقف موقت، محتوا مهم‌تر از ظاهر است.

یک آتش‌بس پایدار باید دو شرط اساسی را برآورده کند. اول، همان‌طور که پوتین پیش‌تر گفته است، باید تضمین‌های محکم ارائه دهد که طرف مقابل از این آتش‌بس به نفع خود سوءاستفاده نخواهد کرد. دوم، باید به‌عنوان اقدامی برای ایجاد اعتماد عمل کند که تعهد واقعی اوکراین به پیشبرد روند صلح را نشان دهد - نه صرفاً خریدن زمان. در مذاکرات مقدماتی، روسیه باید از کیف تضمین‌های مشخصی درباره اقدامات پس از آغاز آتش‌بس دریافت کند. یک اقدام ساده حسن نیت می‌تواند لغو فرمان زلنسکی در ممنوعیت مذاکرات با مسکو باشد. پس از آن، تعلیق وضعیت جنگی و اعلام تاریخ برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری اوکراین می‌تواند گام بعدی باشد. اگر ترمپ واقعاً به طرح سه

مرحله‌ای خود – آتش‌بس، انتخابات و صلح – پایبند باشد، متقاعد کردن او به این اقدامات نباید دشوار باشد. اما واکنش زلنسکی در این زمینه، تعیین‌کننده خواهد بود.

در هفته‌های آینده مشخص خواهد شد که آیا برنامه ۳۰ روزه آتش‌بس، پس از مشورت‌های بیشتر میان مقامات امریکائی و روسی – و شاید یک مذاکره مستقیم بین پوتین و ترمپ – به توافقی مشخص‌تر تبدیل خواهد شد یا نه. نتیجه ایده‌آل، توافقی ساختاریافته است که به صلح پایدار منجر شود. اما واقعیت ممکن است به‌گونه‌ای کاملاً متفاوت رقم بخورد. در حال حاضر، توپ دیپلماسی همچنان میان واشنگتن، کییف و مسکو در حرکت است. و سرانجام این ماجرا همچنان نامعلوم باقی می‌ماند.

۱۷ مارچ ۲۰۲۵